والروایة بالهمزة و در نهایه است نکیت لک العدو و انکانیة فانا نکأت اذا اکثرت
فیهم الجرح والقتل فوهنوا لذلک و قد یهمز و یقال نکأت القرحة انکأها اذا قشرتها
انتهی یعنی ضبط ینکأ بوجهین است و مهموز ضعف دارد نسبت بناقص و در شرح
مولانا علی قاری است رحمه الله که اتفاق نسخ معتبره و اصول مصححه معتمده است بر
کتابت ینکأ بالف در ضبط آن بهمزه بر تقدیر ناقص یای که حتی البته باید بود
و مصنف رحمه الله در شرح مصابیح گفته ینکأ مرفوع غیر مجزوم انتهی الا انه ینکأ
و هو مرفوع است قوله یمشی باثبات یا بالاتفاق و مظهر گفته ینکأ مجزوم لانه
جواب الامر انتهی پس اثبات یا در قوله یمشی بتقدیر و هو یمشی است حاصل آنکه
مهموز و ناقص هر دو لغت است و در حدیث از مهموز است و رفعش اقوی است از
جزم یعنی در سنن ابو داود و صحیح ابن حبان و مستدرک حاکم مرویست از عبد الله
بن عمرو بود که رسول خدا در وقت عیادت میخواند بسم الله ارقیک لما اوذه زحمه
ابن قریب مرقوم است قوله یشفیک ای الله از روی حقیقت او اسم الله گز
روی مجاز قوله و من شر کل ذی عین ای شر هر کس که خداوند اصابت چشم است
قوله اللهم اشف یا رب شفا و صحت عطا کن بنده خود را الخ بنده خود را تا غزا و جهاد
کند در راه تو با قتل کند و نکبت رسد دشمنان ترا قوله و یمشی و برود برای وی طلب رضای
تو و امتثال امر تو بسوی نماز جنازه و در نسخه الی الصلوة و یمشی و در روایت حاکم
الی الصلوة جنازه و جنازه بکسر و فتح جیم بمعنی میت است با سریر و قیل بفتح میت است
و بکسر سریر انتهی لیکن در عرف اطلاق جنازه بر سریر با میت است پس مراد در
هر دو لغت میت است بر سریر باشد یا نباشد نقال وجه جمع میان غزا و تشییع جنازه
الست که در اول انزال غضب خداست بر دشمنان و در دوم ایصال رحمت خداست

بدوستان

---

بدوستان     اللهم اشفه اللهم عافه مس شحب های ضمیرست در هر دو متن
یا های سکت است یعنی در صحیح مستدرک حاکم و سنن ترمذی و صحیح ابن حبان
مرویست از حضرت علی رض که خواندن رسول خدا در عیادت اللهم اشفه و عافه
اعم است از سابق زیرا که معافات خلاص است از هر مکروهی و قیل تاکید است
اللهم اشفه اللهم اعفه من اعف صیغه امر است از اعفاء یعنی متن
معافات ای در سنن نسائی مرویست از علی رض خواندن رسول خدا در عیادت
این دعا در ریاض النضرة مرویست از سعد رضی الله عنه ان النبی صلی الله
علیه و سلم عاده عام حجة الوداع بمکة من مرض اشفی فیه ای اشرف علی الهلاک فقال
سعد یا رسول الله قد خفت ان اموت بالارض التی هاجرت منها فقال صلی الله
علیه و سلم اللهم اشف سعدا ثلث مرات . یا فلان شفی الله سقمک متن
و غفر ذنبک و عافاک فی دینک و جسمک الی مدة اجلک
ضبط لفظ فلان برفع است بی تنوین و به تنوین یعنی در صحیح مستدرک حاکم مرویست
از سلمان فارسی رض که ان النبی صلی الله علیه و سلم قال له یا سلمان شفی الله سقمک الخ
تم کوش و تفقه است پس قول مصنف رحمه الله که یا فلان نقل بالمعنی برای اراده
عام است از خطاب یعنی در عیادت با زید یا بکر مثلا از این کند خطاب الیه بیمار را
شفا بخشد ترا و بیامرزد جنس گناه ترا و سالم دارد ترا از هر مکروهی که در دین تست
و در تن تست تا مدت آخر عمر تو     و من عاد مریضا لم یحضر اجله فقال متن
عنده سبع مرات اسأل الله العظیم رب العرش العظیم ان
یشفیک الا عافاه الله من ذلک المرض دت سی حب میں مص
العرش العظیم بجر که صفت عرش است و در نسخه صحیحه بنصب است صفت رب یعنی در سنن ابو داود و ترمذی و

Copyright © King Saud University